



بایدن پر چه ستم ز غم زین

بنی نوح خاسته عظمی است

کرمینان

کز خوانم قیامت ز سابعید

در سب

متخلص به سیر

دیوان میر عبدالوهاب هست خویی

قصیده در احتجاج شمس المشرقین  
و سب رسول الثقلین ابی عبدالله  
الحسین با ملاعین کوفه و شام و قوم  
لئام به طریق اتمام حجت<sup>۱</sup>

۱. در این قصیده شاعر به مقام امامت نظر انداخته و از دیدگاه شیعه مراتب و جایگاه امامت را که مظهری از قدرت و عظمت الهی است بیان می کند.  
موسسه تولیت شمس تبریزی و مفاخر

منم که قاطبه‌ی<sup>۱</sup> ما سوايه مولایم  
 منم که سلسله‌ی انبیادن اعلايم  
 منم حروف «الف لام و میم» اوچون تاویل  
 منم «کتاب من الله»،<sup>۲</sup> «سوره‌ی تنزیل»  
 آدیمدی زیور تورات و زینت انجیل  
 منم که آخر اسماء اسم حسنايم<sup>۳</sup>  
 منم حدیقه‌ی «والتّین والزیتون»<sup>۴</sup>  
 منم مداد «وما یسطرون»<sup>۵</sup> مصدر «نون»

۱. قاطبه: تمام آفریدگان.

۲. اشاره به آیه‌ی «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ...» و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤید آنچه نزد آنان است برایشان آمد ... (بقره / ۸۹)

۳. اشاره به «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» اوست خدای آفریننده عالم امکان و پدید آورنده جهان و جهانیان، نگارنده صورت خلقان، او را نام‌های نیکو بسیار است، آنچه در آسمان‌ها و زمین است همه به تسبیح و ستایش او مشغولند و اوست یکتا خدای مقتدر حکیم (حشر / ۲۴).

۴. اشاره به آیه‌ی اول سوره تین: «قسم به انجیر و قسم زیتون» در برخی تفاسیر، از زیتون به امام حسین (ع) تعبیر شده است..

۵. اشاره به آیه‌ی اول سوره قلم.

منم نتیجه‌ی «بِالنَّذْرِ» مقصد «یوفون»<sup>۶</sup>  
 منم که مفتخر «هل اتی»<sup>۷</sup> و «طه»<sup>۸</sup>  
 بیز اهل بیت خصوصینه آیه‌ی تطهیر<sup>۹</sup>  
 نزول ائدیب منم عنوان انمایه ضمیر  
 منم «سراج منیر»،<sup>۱۰</sup> منم «بشیر و نذیر»<sup>۱۱</sup>  
 منم که لفظ نذیر مبینه فحوایم<sup>۱۲</sup>  
 منم دلیل سبیل «لکل قوم هاد»<sup>۱۳</sup>  
 ظهور بینیه «أنت مُنذِر»<sup>۱۴</sup> العباد  
 منم «لیذهب عنکم»<sup>۱۵</sup> اشاره‌سینده مراد

۶. اشاره به آیه‌ی «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا» [همان بندگان  
 که] به نذر خود وفا می‌کردند و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می‌ترسیدند  
 (انسان / ۷).

۷. آیه اول سوره انسان

۸. اشاره به «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»  
 همانا خدا می‌خواهد که تا پاکی و پلیدی را از شما اهل بیت دور نماید و پاک و  
 مطهرتان سازد (احزاب / ۳۳).

۹. منیر: چراغ نورانی، چراغ نورانی. اشاره به آیه‌ی «وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا  
 مُنِيرًا» و دعوت‌کننده به سوی خدا به فرمان او، و چراغی تابناک (احزاب / ۴۶).

۱۰. بشیر و نذیر: بشارت دهنده و بیم دهنده، اشاره به آیه‌ی «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ  
 بَشِيرًا وَنَذِيرًا» ما تو را بحق، بشارتگر و هشداردهنده گسیل داشتیم (فاطر / ۲۴).

۱۱. فحوایم: مفهوم سخن، معنی.

۱۲. اشاره به آیه‌ی «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» و برای هر قومی رهبری است (رعد / ۷).

۱۳. مُنذِر: بیم دهنده‌ی بندگان، در اصل خطاب به پیامبر گرامی است، اشاره به  
 آیه‌ی «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ» [ای پیامبر،] تو فقط هشداردهنده‌ای (رعد / ۷).

۱۴. اشاره به «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ  
 تَطْهِيرًا» همانا خدا می‌خواهد که ناپاکی و پلیدی را از شما اهل بیت  
 دور نماید و پاک و مطهرتان سازد (احزاب / ۳۳).

منم اراده‌ی حق رجسدن<sup>۱۵</sup> معزایم<sup>۱۶</sup>  
 نتیجه‌ی ثمر آیه‌ی «اطیعوا الله»<sup>۱۷</sup>  
 منم بیان «اطیعوا الرسول»<sup>۱۸</sup> صدق گواه<sup>۱۹</sup>  
 ظهور امر «اولوالامر» اوچون رسول الله  
 اولوب مقدمه مضمون لفظ اجرایم  
 منم مفسر تفسیر «علم القرآن»<sup>۲۰</sup>  
 منیم یانیمدادی تأویل «نزل الفرقان»<sup>۲۱</sup>  
 منم مفتاح ابواب<sup>۲۲</sup> رحمت و احسان

۱۵. رجس: گناه، معصیت، پلیدی.

۱۶. مُعْرَا: دور.

۱۷. اشاره به آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید (نساء / ۵۹).

۱۸. اشاره به «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» همانا خدا می‌خواهد که ناپاکی و پلیدی را از شما اهل بیت دور نماید و پاک و مطهرتان سازد (احزاب / ۳۳).

۱۹. صدق گواه: شاهد صادق.

۲۰. اشاره به سوره الرحمن.

۲۱. اشاره به آیه‌ی «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [= کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد (فرقان / ۱).

۲۲. کلید درها، اشاره به آیه‌ی «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» و کلیدهای غیب، تنها نزد اوست. جز او [کسی] آن را نمی‌داند، و آنچه در خشکی و دریاست می‌داند، و هیچ برگی فرو نمی‌افتد مگر [اینکه] آن را می‌داند، و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است (انعام / ۵۹).

منم که واسطه‌ی فیض بار عظامیم  
 منم ستوده‌ی «یاسین»<sup>۲۳</sup> منم «امام مبین»<sup>۲۴</sup>  
 منم تمسک اهل الولاية حبل متین<sup>۲۵</sup>  
 منم حقیقت ایمان منم طریقت دین  
 منم که باطن احکام شرع غرایم<sup>۲۶</sup>  
 حروف خمسه‌ی یاسینه<sup>۲۷</sup> سین استثنا  
 چو نون آخر اسماء خمسة النجیا<sup>۲۸</sup>  
 منم مخاطب «سین»<sup>۲۹</sup> و منم عبارت «یا»  
 منم که حرف ندا، کلمه‌ی منادایم

۲۳. اشاره به سوره مبارکه یس دارد.

۲۴. کارنامه‌ای آشکار، اشاره به آیه‌ی «إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» آری! ماییم که مردگان را زنده می‌سازیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند، با آثار او اعمال ایشان درج می‌کنیم، و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمرده‌ایم (یس / ۱۲).

۲۵. حبل المتین یکی از اسم‌های قرآن کریم است و چون شیعه امام را قرآن ناطق می‌داند، شاعر به آن قرینه و با اشاره به آیه‌ی «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ ... (آل عمران ۱۰۳). امام حسین<sup>(ع)</sup> را ریسمان آویخته از آسمان می‌داند که با چنگ‌زدن به آن می‌شود از سقوط در امان ماند و نیز به خدا وصل شد.  
 ۲۶. غرًا: روشن و نورانی.

۲۷. «یس» از حروف مقطعه و رمزدار قرآن است و هنگام تلفظ به صورت پنج حرف (یاسین) خوانده می‌شود.

۲۸. خمسة النجبا: پنج نجیب، پنج تن آل عبا که آخرین آنان امام حسین<sup>(ع)</sup> است و آخرین حرف نام مبارکش (ن) می‌باشد.

۲۹. مراد سوره یس است که (یا) اول آن را حرف ندا گرفته و منادا نیز (سین) که منظور از «سین» هم امام حسین است.

منم غوامض<sup>۳۰</sup> اسرار غیبدن آگاه  
 ضیاء پرتو نور ((فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ))<sup>۳۱</sup>  
 شروع ((حمد)) ده صدر کلام ((بسم الله))  
 منم که بسمله تحتینده نقطه‌ی بایم<sup>۳۲</sup>  
 ضمیر آخر ((طاسین))،<sup>۳۳</sup> اول ((حامیم))<sup>۳۴</sup>  
 مفاد میم والف لام، والکتاب حکیم<sup>۳۵</sup>  
 وأنه ((لَعَلِّي حَكِيمٍ))<sup>۳۶</sup> قول کریم  
 منم که اسم صفات عَلِيٌّ اعلايم  
 بیئر اوزره حجة حقم خلیفة الله

۳۰. غوامض: پیچیدگی‌ها، دشوارها.

۳۱. اشاره به «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»  
 و مشرق و مغرب از آن خداست پس به هر سو رو کنید آنجا روی [به] خداست  
 آری خدا گشایشگر داناست (بقره / ۱۱۵).

۳۲. معنی بیت: زینت‌بخش و صدرنشین سوره‌ی «الحمد» بسم الله الرحمن  
 الرحیم است «و من نقطه‌ای هستم که زیر باء است» اشاره به روایت نورانی  
 امیر(ع) که فرمود: و بدان که همه اسرار الهی در کتب آسمانی است. و هر آنچه  
 در کتب آسمانی وجود دارد در قرآن است. و همه قرآن در سوره حمد جمع است.  
 و هرچه در سوره حمد است در بسمله آن است. و هر چه در بسمله است در باء  
 است. و هر آن چه در باء بسمله است در نقطه آن است.

۳۳. اشاره به: «طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ» طاسین این است آیات قرآن  
 و [آیات] کتابی روشنگر (نمل / ۱).

۳۴. آیه اول سوره‌ی فصلت.

۳۵. آیات اول و دوم سوره‌ی لقمان.

۳۶. اشاره به «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ» و همانا که آن در کتاب اصلی  
 [=لوح محفوظ] به نزد ما سخت والا و پر حکمت است (زخرف / ۴).

جميع ما خلق الله<sup>۳۷</sup> حجة اللهم  
 ظهور قوت و قدرته قدرة اللهم  
 قدیر و مقتدر و قادر توانایم  
 سواد سورهی نورم مداد آیهی نور  
 او نور قدس الهیّیه محل ظهور  
 «يُضِيءُ نَوْراً<sup>۳۸</sup> عَلَى نَوْرٍ يُوقَدُ مِنْ نَوْراً»  
 منم که کوکب درّی<sup>۳۹</sup> در بیضایم<sup>۴۰</sup>  
 منم که جد کباریم رسول اکرم دیر  
 وجودی باعث ایجاد خلق عالم دیر<sup>۴۱</sup>  
 او نور پاکه طفیلی وجود آدم دیر<sup>۴۲</sup>  
 منم او نور که هر نشأده<sup>۴۳</sup> هویدایم

۳۷. جميع ما خلق الله: همه آنانی که خداوند آفریده است.

۳۸. اشاره به آیهی «... يُضِيءُ وَتَوَلَّوْا لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُّورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ ...»  
 ... نزدیک است که روغنش هر چند بدان آتشی نرسیده باشد روشنی بخشد  
 روشنی بر روی روشنی است خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند  
 ... (نور / ۳۵).

۳۹. کوکب درّی: ستاره فروزان، اشاره به آیهی «لِللَّهِ نُورٌ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا ...» خدا نور آسمان ها و زمین است. مَثَلُ نور او چون چراغدانای  
 است ... (نور / ۳۵).

۴۰. درّ بیضا: مروارید سپید.

۴۱ و ۴۲. در هر دو منظور شاعر حدیث قدسی «يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ»؛

هان ای احمد! اگر تو نبودی، جهان را نمی آفریدم، است.

۴۳. نشئه: مرحله.

حیات زورقینه لنگر ثبات منم  
 بقای خضره سبب چشمه‌ی حیات منم  
 نجات نوحه وئرن ((کشتی نجات))<sup>۴۴</sup> منم  
 ((نجی))<sup>۴۵</sup> لساینه جاری اولاندا مجرایم  
 مقام رتبه‌دهه فرزند صاحب معراج  
 باشیمداشمسه‌ی ((وَالشَّمْسُ وَالضَّحَى))<sup>۴۶</sup> دیرتاج  
 منم مجاری حکمتده قَلْزُمُ موج  
 درِ مدینه‌ی علمم<sup>۴۷</sup> علومه دریایم  
 منم مقرب درگاه ((قرب)) و ((أَو ادنی))  
 چو محرم حرم خاص ((قَاب قَوْسینا))<sup>۴۸</sup>  
 رموز وحی فَاوْحٰی یه سِر ما اوْحٰی<sup>۴۹</sup>

۴۴. اشاره به حدیث پیامبر اکرم (ص): «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه».

۴۵. نجی: لقب حضرت نوح، نجات یافته.

۴۶. اشاره به «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا» سوگند به خورشید و تابندگی‌اش (شمس / ۱).

۴۷. اشاره به حدیث نبوی «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»؛ من شهر دانشم و علی، دروازه آن است. آن که دانش می‌خواهد، باید از [این] دروازه در آید.

۴۸. اشاره به «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» [فاصله‌اش] به قدر [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیک‌تر شد (نجم / ۹) و اشاره به معراج.

۴۹. اشاره به «فَاوْحٰی اِلٰی عَبْدِهِ مَا اُوْحٰی» آنگاه به بنده‌اش آنچه را باید وحی کند وحی فرمود (نجم / ۱۰).

طلسم محفل ((لا))یه کلید<sup>۵۰</sup> الایم  
 منم سلیل<sup>۵۱</sup> جلیل<sup>۵۲</sup> سلالة<sup>۵۳</sup> الامجاد<sup>۵۴</sup>  
 منم سلالهی آدمدن اشرف اولاد  
 منم شرافت آباء<sup>۵۴</sup> کرامت اجداد  
 وسیلهی شرف امهات<sup>۵۵</sup> و آبایم  
 تمامی کتب انبیاده مزبورم  
 مذاهب ملل خارج ایچره مشهورم<sup>۵۶</sup>  
 دیلینده هر بیرینین اؤز دیلینجه مذکورم  
 که هر لسانیده بیر اسمیله مسقّایم  
 عوالمی ائلیب طی تا بو عالمده  
 ظهور نوروم اولوب صورت مجّسمده<sup>۵۷</sup>

۵۰. اشاره به «لا» در «لا اله الا الله» و نیز ألا جمع الی یعنی نعمت‌ها.

۵۱. سلیل: فرزند، پسر.

۵۲. سلاله: نسل، فرزند، خلاصه‌ی هر چیزی.

۵۳. امجاد: جمع امجد، بزرگان.

۵۴. آباء: جمع اب، پدران.

۵۵. امهات: جمع ام، مادران، اشاره‌ای هم به امّهات اربعه دارد. که در روایتی از پیامبر اکرم ص آمده است: «مادر چهار قسم است: مادر داروها، مادر ادبها، مادر عبادات و مادر آرزوها».

۵۶. منقول است که نام پنج تن ال عبا در تمام کتب آسمانی و در زبان امت‌های آن کتاب‌ها مذکور شده است.

۵۷. نور پیامبر و ائمه اطهار قبل از آفرینش موجود بوده و بعد از طی مراحل در زمان خودشان به شکل انسان ظاهر شده‌اند.

ابوالبشر<sup>۵۸</sup> منم اما لقبیر آدمه  
 که صورت بشریتده نوع ابنایم  
 ظهور منظر حق ذات ذوالجلاله صفات  
 منم صفات جلالی جمالینه مرآت  
 وجود ذات اولور چون صفاتیله اثبات  
 منم که مظهر حقّه صفات اعلایم  
 منم بو دایره‌ی کونه<sup>۵۹</sup> نقطه‌ی توحید  
 منم مدبر امر ((لِما یشاء یرید))<sup>۶۰</sup>  
 منم خزاین الطاف کبریایه<sup>۶۱</sup> کلید  
 جهان‌ه واسطه‌ی فیض و باب اعطایم  
 منم خزینه‌ی اسرار غیب ربانی  
 منم ودیعه‌ی کنز<sup>۶۲</sup> علوم رحمانی

۵۸. ابوالبشر: لقب حضرت آدم، پدر بشر، اشاره به حدیث نبوی «من پیغمبر بودم در حالی که خلقت آدم هنوز میان آب و گل بود».

۵۹. کون: عالم هستی.

۶۰. معنی مصراع: اراده‌ام اراده الهی است، هرگاه بخواهم اراده می‌کنم، اشاره به آیه‌ی «خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ» تا آسمانها و زمین برجاست، در آن ماندگار خواهند بود، مگر آنچه پروردگارت بخواهد، زیرا پروردگار تو همان کُنَد که خواهد (هود / ۱۰۷).

۶۱. کبریا: بزرگی و عظمت.

۶۲. کنز: گنجینه، اشاره به مکالمه داود نبی با پروردگار و حدیث معروف قدسی که می‌فرماید: «كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَاحْبَبْتُ أَنْ أَعْرَفَ وَ خَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أَعْرَفَ» من گنجی پنهان بودم، دوست داشتم شناخته شوم، خلائق را آفریدم تا شناخته شوم.

منم علیم رموزات سّر سبحانی  
 علوم ما سبق<sup>۶۳</sup> و ما یکون<sup>۶۴</sup> داریم  
 جزاء سعی‌ده مشکور اولان جزاء شکور  
 مقام منزلت کان سعیکم مشکور<sup>۶۵</sup>  
 و من یجاهد فی الله‌دن منم منظور  
 منم که شرط «و من جاهدوا» ده «فینا»<sup>۶۶</sup> یم  
 منم مبشر «طوبی لکم و حُسنُ مآب»<sup>۶۷</sup>  
 مقام «انّ الینا ایابکم»<sup>۶۸</sup> ده ایاب  
 منم محاسب دیوان حشر، یوم حساب  
 «الّتی مرّجِعُکم» مرجع «الینا»<sup>۶۹</sup> یم

۶۳. علوم ما سبق: دانش‌های پیشین.

۶۴. ما یکون: آنچه که هست (همین‌ها).

۶۵. اشاره به آیه‌ی «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا» این [پاداش] برای شماست و کوشش شما مقبول افتاده است (دهر / ۲۲).

۶۶. اشاره به آیه‌ی «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است (عنکبوت / ۶۹).

۶۷. اشاره به آیه‌ی «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسَنُ مَا أَبَىٰ» کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، خوشا به حالشان، و خوش سرانجامی دارند (رعد / ۲۹).

۶۸. اشاره به آیه‌ی «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ» در حقیقت بازگشت آنان به سوی ماست (غاشیه / ۲۵).

۶۹. اشاره به آیه‌ی «... ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» .. کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند، فوق کسانی که کافر شده‌اند قرار خواهم داد؛ آنگاه فرجام شما به سوی من است، پس در آنچه بر سر آن اختلاف می‌کردید میان شما داوری خواهم کرد (آل عمران / ۵۵).

منم لذی حَجْرٌ<sup>۷۰</sup> مقتضاسیجہ والطور  
 منم او واو قَسَمَ والکتابده مسطور<sup>۷۱</sup>  
 منم که اسمیمه قدرت الی یازیب منشور<sup>۷۲</sup>  
 منم که لوح حیات و مماته طغرایم<sup>۷۳</sup>  
 منم بو عالم کُونه<sup>۷۴</sup> وئرن، نظام و نسق<sup>۷۵</sup>  
 منم او نور ازل نور حَقِیدن مشتق  
 منم ظهور جلال و جمال باقی حق  
 ز کل هَالَكْ اِلَایه وجه بیقایم<sup>۷۶</sup>  
 منم که علت غائی ممکنات منم  
 منم که باعث ایجاد کاینات منم

۷۰. اشاره به آیهی «هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ» آیا در این، برای خردمند [نیاز به]

سوگندی [دیگر] است؟ (فجر / ۵)

۷۱. اشاره به آیه‌های «وَالطُّورِ وَكِتَابٍ مُّسْتُورٍ» سوگند به طور و کتابی نگاشته شده (طور / ۱ و ۲)، معنی بیت: وادی طوری که خدای واحد و احد بر آن قسم می‌خورد و موسی حیران و سرگردان آن وادی بوده من هستیم و «واو» قسم که در قرآن ذکر شده مراد من هستیم.

۷۲. منشور: فرمان.

۷۳. طغرا: نشانه و علامت مخصوص هر سلطان که در بالای فرامین صادره نقش زده می‌شد.

۷۴. عالم کون: جهان هستی.

. نسق: نظم و ترتیب.

۷۶. اشاره به «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» و با خدا معبودی دیگر مخوان خدایی جز او نیست جز ذات او همه چیز نابودشونده است فرمان از آن اوست و به سوی او بازگردانیده می‌شود (قصص / ۸۸).

منم که مصدر انوار<sup>۷۷</sup> صادرات منم  
منم که مقصد اولده میم اولییم  
منیم الیمدهدی هر صورت حیات و ممات  
منیم اراده‌مه وابسته دیر هلاک و نجات<sup>۷۸</sup>  
منیم علاقه‌ی رأیمله‌دیر فنا و ثبات  
که مقتضای ولایت اولان تقاضایم  
ولّی امر الهی حمیت باری  
منم که منده هویدادی قدرت آثاری  
مشیتیمله قضا و قدر اولور جاری  
منم که حکم قضا اوسته خط امضایم  
منم رساله‌ی تبلیغ مرسلینه سند  
یئتیب توّسل نورومدن انبیایه مدد<sup>۷۹</sup>

---

۷۷. مصدر انوار: تمام انوار جهان هستی از نور من است و تمام کاینات از فیض وجود من هست شده‌اند.

۷۸. شاعر در این دو بیت اخیر، امام‌شناسی زیبایی را به تماشا گذاشته است. این ابیات را می‌توان اشاره‌ای دانست به فقراتی از دعای عدلیه. آنجا که می‌خوانیم: «... بِبَقَائِهِ بَقِيَّتِ الدُّنْيَا، وَبِيَمِينِهِ رَزَقَ الْوَرَى، وَبِوَجُودِهِ تَبَتَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، وَبِهِ يَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا...» ... آن امیدبخشی که به بقایش دنیا باقیست و از برکتش بندگان روزی یافته‌اند و به وجودش زمین و آسمان استوار گشته است و خدا به وسیله او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، پس از آنکه از ستم و بیداد پر شده باشد ...

۷۹. معنی مصراع: هدف غایی بعثت پیامبران شناساندن مقام و منزلت من بوده و در سایه نور وجود من، پیامبران به وجود آمده‌اند.

ائدن جميع بلیاتیدن بلیه نی رد  
 قبول رد بلا ائتمهیه مهیایم  
 ندای کلمه ی یا هادی السبیل<sup>۸۰</sup> منم  
 ائدن فراغنه نی غرق رود نیل منم  
 رسالتینده پیمبرلره دلیل منم  
 قیلان شکافیه دریای قومه، موسایم  
 خلیل<sup>۸۱</sup> اسمینی جبریه ائیلدیم تعلیم  
 کلیم<sup>۸۲</sup> کلمه ی اسمیمن اولدی اسمی کلیم  
 ذبیحه قطره ی اشک خلیلی «ذبح عظیم»<sup>۸۳</sup>  
 منم مقرر ائدن کلمه «فدینایم»<sup>۸۴</sup>  
 منم دلالت ائدن خضری آب حیوانه  
 منم مقرر ائدن حشمتی سلیمانیه  
 منم که حکمت اوزوندن ضمیر لقمانه  
 آچان دریچه ی حکمت حکیم دانایم

۸۰. هادی السبیل: هدایت‌گر، راهنمای راه.

۸۱. خلیل: لقب حضرت ابراهیم و به معنی دوست.

۸۲. کلیم: لقب حضرت موسی و به معنی سخن گویند، ناطق.

۸۳. ذبح عظیم: قربانی بزرگ، اشاره به قربانی کردن حضرت ابراهیم پسرش اسماعیل را.

۸۴. فدینا: فعل ماضی متکلم مع‌الغیره، فدییه و خون‌بها دادیم، باز اشاره به داستان حضرت ابراهیم و قربانی شدن اسماعیل، تلمیحی به آیه ی «وَقَدَّيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» و او را در ازای قربانی بزرگی باز رهائیدیم (صافات / ۱۰۷).

خليله<sup>۸۵</sup> خلعت خلت<sup>۸۶</sup> کرامت ائندی حکیم  
 که «نور واحده»<sup>۸۷</sup> اخلاصيله قلیب تعظیم  
 اولوب مقام منیع مقام ابراهیم  
 که امتحان خلوصینده صدق رؤیایم<sup>۸۸</sup>  
 منم شوارق<sup>۸۹</sup> انوار عالم لا ریب<sup>۹۰</sup>  
 شهود غیبه منم عالم شهادت غیب<sup>۹۱</sup>

۸۵. صفتی که خدا در قرآن حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> را با آن خطاب کرده است. «...  
 وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» ... و خدا ابراهیم را دوست گرفت (نساء / ۱۲۵).

۸۶. خلت: دوستی،

۸۷. اشاره به حدیث نبوی که فرمود: «كَلِمَاتٌ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ» این حدیث به خلقت  
 پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> و امام علی<sup>(ع)</sup> یا پیامبر<sup>(ص)</sup> و اهل بیتش<sup>(ع)</sup> از یک نور اشاره می کند.  
 ۸۸. اشاره به آیهی «قَدْ صَدَقْتَ الرَّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» رؤیای خود]  
 را حقیقت بخشیدی! ما نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم! (صافات / ۱۰۵)

۸۹. شوارق: جمع شارقه، روشنایی ها

۹۰. عالم لاریب: عالم یقین، لا ریب یکی از ویژگی های قرآن کریم است.  
 آن جا که در آیه دوم سوره بقره می فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى  
 لِّلْمُتَّقِينَ» این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست؛ [و] مایه  
 هدایت تقوایبشگان است.

۹۱. اشاره به آیهی «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَيْ  
 عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» و بگو: «[هر کاری می خواهید]  
 بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست، و به  
 زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می شوید؛ پس ما را به آنچه انجام  
 می دادید آگاه خواهد کرد (توبه / ۲).

کلیمی حکمت اوزوندن وئرن شبان شَعِيب<sup>۹۲</sup>  
منم که نخل انا الله و طور سینایم<sup>۹۳</sup>  
منه کرامت ائدیپ حق ((مقام محمودی))<sup>۹۴</sup>  
یئتیشسین عالمه فیض وجودومون جودی  
منم خلیفه ائدن یئر اوزونده داودی<sup>۹۵</sup>  
که شهربند<sup>۹۶</sup> ولایتده رکن والایم  
منم خلاص ائلیین داردن مسیحانی

---

۹۲. شَعِيب: شَعِيب از پیامبران الهی و از نوادگان ابراهیم است. او سومین پیامبر عرب بوده که نامش در قرآن آمده و پیامبر سرزمین یا قوم مدین و ایکه بوده است. قرآن به جریان موسی و شعیب اشاره دارد و شعیب را پدر همسر موسی معرفی کرده است.

مرحوم حقیر در این مصرع به چوپانی حضرت موسی<sup>(ع)</sup> برای او اشاره دارد.  
۹۳. طور سینا: مراد کوه سینا و محل نزول وحی بر حضرت موسی است که در آیه‌ی «وَسَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذُّهْنِ وَصِنْحٌ لِّالْكَلِیْنِ» و از طور سینا درختی برمی‌آید که روغن و نان خورشی برای خورندگان است (مومنون / ۲۰)، بدان اشاره شده است.

۹۴. مقام محمود به معنای جایگاه عالی و ستوده و مقاماتی است که خدا آن را به پیام اکرم<sup>(ص)</sup> به سبب تجهد و شب‌زنده داری عطا کرد.

۹۵. داود از انبیای بنی‌اسرائیل که طبق روایت قرآن، خداوند ملک و پادشاهی به وی عطا فرمود.

۹۶. زندانی.

ائدن سپهر چهارم، مقام عیسائی<sup>۹۷</sup>  
 دم مسیح دمیمن حیات روحانی  
 آلبیدی معجز احیاده، من مسیحایم<sup>۹۸</sup>  
 منم که نفس حبیب<sup>۹۹</sup> خدایه محبوبم  
 منم که دافع<sup>۱۰۰</sup> ضر و بلای ایوبم<sup>۱۰۰</sup>

۹۷. طبق آنچه در قرآن کریم آمده: آنگاه که عیسی مسیح را می‌خواستند به دار کشند (به تحریک کاهنان یهود و حکومت روم) به اشتباه کس دیگری را که شبیه به مسیح بود به دار کشیدند و خداوند عیسی را به آسمان‌ها برد و در آسمان چهارم مسکن گزید و به عقیده شیعه زمان ظهور حضرت مهدی (عج) وی نیز از آسمان نزول خواهد کرد و ملتزم رکاب آن حضرت خواهد شد. قرآن کریم در این آیه «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا» و گفته ایشان که: «ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم»، و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد؛ و کسانی که در باره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آن که از گمان پیروی می‌کنند. و یقیناً او را نکشتند (نساء / ۱۵۷)، به ماجرای فوق اشاره کرده است.

۹۸. یکی از معجزات عیسی زنده کردن مردگان بود به وسیله نفس معجزه‌آسایش بود. در قرآن کریم در سوره آل عمران آیه‌ی ۴۹ به این معجزه عیسوی اشاره شده است.

۹۹. حبیب: لقب حضرت رسول اکرم (ص) است. رسول (ص) به حضرت علی (ع) می‌فرمود: تو به مثابه نفس من هستی پس امام حسین (ع) نیز خود را نفس پیامبر (ص) می‌نامد و نیز به آیه مباهله اشاره دارد.

۱۰۰. ایوب از پیامبران الهی که با ازدست‌دادن اموال و فرزندان و ابتلای به بیماری، مورد آزمایش الهی قرار گرفت. او در برابر امتحانات الهی صبر کرد و از عبادت و شکر خدا دست برنداشت؛ به همین جهت در قرآن از او به نیکی یاد شده است.

منم مفرح احزان<sup>۱۰۱</sup> و هَمَّ يعقوبم<sup>۱۰۲</sup>  
منم که بدرقه‌ی «شيث» و «هود» و «يحيایم»  
وجود و مومن سببیدن تمام موجودات  
جميع ما خلق الله كل مخلوقات  
وجود دایره‌سینده گئییب لباس حیات  
منم که باعث ایجاد کل اشیايم  
منیم الیمده‌دی سررشته‌ی امور قضا  
منیم رضاميله امر رضا اولور مرضا<sup>۱۰۳</sup>  
رضا منیمدی اؤزوم وئرمیشم قضایه رضا  
اؤزوم دلیل قضایم رضایه مرضایم  
قبول ائیلیمیشم بزم انس و حدته  
همین بو نشأده<sup>۱۰۴</sup> ظاهر اولام بوضورته  
که عشقیمی گتیرم عرصه‌ی محبته  
ظهور عالمینه رمز کافایله هایم<sup>۱۰۵</sup>  
گرک بوضورت ترکیبیمه وئرم تغییر

---

۱۰۱. مفرح احزان: تسکین‌دهنده غم‌ها.

۱۰۲. اشاره به داستان فراق یعقوب و یوسف علیهما سلام و غمی که یعقوب در دوری از یوسف تحمل کرد.

۱۰۳. خوش و پسندیده.

۱۰۴. نشأه: آفرینش.

۱۰۵. اشاره به حروف مقطعه قرآن در آیه اول سوره مریم.

حصار جسمی بیخیب تازہ دن قیلام تعمیر  
جیدا<sup>۱۰۶</sup> اوجوندا دئین وقتده کلمہ ی تکبیر  
نتیجہ ظاهر اولور هانسی حَرَفَه ایمایم<sup>۱۰۷</sup>  
بو باب امن و امانه رخ نیاز و امید  
خلوصیله گتیرن اولموویوب اولا نومید  
نَجْه کی مرحمتیمله «حقیر»یمی تأیید  
ائدیب بیان لسانینده نطق گویایم

---

۱۰۶. جیدا: نیزه.

۱۰۷. ایما: اشارہ.